

نقش مادر در تربیت دینی فرزند

محمد عارف صداقت^۱

چکیده

تربیت دینی به فرآیند پرورش شناخت و محبت به خداوند و تعبد در برابر او اشاره دارد که در آثار دینی و روایات اسلامی، مورد تأکید است. در این راستا، نقش مادر به‌عنوان اولین و مهم‌ترین مربی فرزندان در طی این فرایند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تحقیقات نشان می‌دهد که مادران با رفتار و نگرش‌های دینی خود، تأثیر عمیقی بر مذهبی شدن فرزندان دارند. در مواردی که مادر و پدر هم‌نظر باشند، تأثیر مثبت بر فرزندان بیشتر است. همچنین، تربیت دینی به‌ویژه در دوران نوزادی و کودکی، تأثیرات ماندگاری بر روح و جان فرزندان دارد. روایات اسلامی تأکید دارند که آینده اعتقادی کودکان در باورها و ایمان مادر نهفته است. دین‌داری مادر به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در تربیت دینی فرزندان شناخته می‌شود. این تحقیق می‌کوشد که با استفاده از روش تحقیق اسنادی و میدانی به این نقش مادر را در تربیت دینی فرزندان را بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: مادر، فرزند، تربیت دینی، تربیت، دین، پاک‌دامنی

۱. دکتری قرآن و علوم گرایش علوم تربیتی، کدر علمی جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان

ایمیل: arefsadaqat@gmail.com



مقدمه

به یاری خداوند منان سلسله مباحث نقش مادر در تربیت فرزند به صورت ادامه دار در شماره‌های مختلف این مجله منتشر می‌شود. این مباحث با اهمیت تاکنون در شش شماره بحث و بررسی شده است و در این بخش، به نقش مادر در تربیت دینی فرزند می‌پردازیم. تربیت دینی یکی از مباحث بنیادین در شکل‌گیری شخصیت و هویت معنوی انسان‌هاست. این فرایند نه تنها به پرورش اعتقادات دینی، بلکه به شکوفایی فطرت توحیدی و تقویت رابطه فرد با خداوند مربوط می‌شود. در این میان، نقش مادر به عنوان اولین مربی و الگو در زندگی فرزندان، اهمیت ویژه‌ای دارد. مادر با رفتارها، نگرش‌ها و اعمال دینی خود، به طور مستقیم بر تربیت دینی فرزندان تأثیر می‌گذارد.

تحقیقات نشان می‌دهد که مادران، به ویژه در سال‌های ابتدایی زندگی، نقش کلیدی در شکل‌گیری باورها و ارزش‌های دینی فرزندان دارند. از این رو، بررسی تأثیرات مادران در تربیت دینی، علاوه بر ضرورت‌های دینی و اجتماعی، به عنوان یک موضوع پژوهشی حائز اهمیت است. در این مقاله، به تعریف تربیت دینی و نقش مادر در این فرآیند خواهیم پرداخت و تأثیرات مثبت و منفی رفتارهای مادران بر روحیه و اعتقادات فرزندان را بررسی خواهیم کرد.

پیشینه تحقیق

نقش مادر در تربیت فرزندان از جهات مختلفی قابل بررسی است. نخست از جهت تربیتی و روان‌شناسی و دوم از جهت آموزه‌های اسلامی، از جهت تربیتی و روان‌شناسی به صورت مستقل کمتر پرداخته‌اند، ولی از جهت آموزه‌های اسلامی نیز برخی از پژوهشگران کتاب نوشته‌اند که در ادامه یادآوری می‌گردد. با آنکه همواره این نکته مطرح بوده که مادران نقش مهمی در تربیت فرزندان دارند، در این زمینه کمتر کار علمی و پژوهشی شده است. برخی از مواردی که در قالب کتاب کار کرده‌اند، افراد محدودی را تشکیل می‌دهند که در ذیل به ترتیب الفبا اشاره می‌کنیم:

آزادی، علیرضا، (۱۳۸۹)، از رویش تا پویش: نقش و وظایف مادر در تربیت فرزندان از



دیدگاه علم، قرآن و سنت در دوران کودکی. مؤلف این کتاب زحمت فراوان کشیده است، ولی تنها تأثیر تربیت مادر در دوران کودکی را بررسی کرده است، اگرچه این مرحله در تربیت بسیار حساس است ولی اکتفا به آن کافی نیست.

احسانی، محمد، (۱۳۸۷)، نقش مادران در تربیت دینی فرزندان. مؤلف این کتاب، با همه تلاشی که داشته، تنها تأثیر مادر در تربیت دینی فرزندان را به صورت بسیار خلاصه و گذرا بحث کرده است.

حسینی نژاد، سید مجتبی، (۱۳۹۹)، نقش مادر در تربیت دینی فرزندان. در این کتاب تنها در ساحت تربیت دینی به صورت محدود پرداخته شده و دیگر جنبه‌های تربیتی را ذکر نکرده است.

قائمی، علی، (۱۳۶۶)، نقش مادر در تربیت. در این کتاب افزون بر اینکه مباحث کتاب جذاب و زیباست، ولی بسیار قدیمی است. لذا مباحث جدید و روش‌های نو تربیتی را ندارد و مباحث را کلی مطرح کرده و ابعاد تربیت را مشخص نکرده است که منظور از نقش مادر در کدام بعد از تربیت ناظر است. تنها حدیث را آورده و به نحوی از آن استفاده کرده که در هر نوع تربیت قابل تطبیق است. بعد تربیتی و اخلاقی را نیز مشخص نکرده است و بیشتر به ابعاد اخلاقی اشاره دارد تا بعد تربیتی و معمولاً مطالب را بدون ذکر منبع نقل کرده است. از این رو موضوع یادشده نیازمند بررسی جامع و کامل است.

۱. مادر و تربیت دینی فرزند

تربیت دینی فرزندان یکی از مباحث مهمی است که در این زمینه، فراوان بحث کرده‌اند، ولی نقش مادر در تربیت دینی به صورت ویژه کمتر بررسی شده است. در ذیل نیز به صورت گذرا این بحث را بررسی خواهیم کرد.

۱-۱. تعریف تربیت دینی

این واژه ترکیب یافته از تربیت و دین است که هرکدام به تنهایی معنای ویژه دارد، ولی وقتی این دو واژه ترکیب شود، تعریف سومی به خود می‌گیرند. تربیت دینی آن است که دین‌دار بودن را در انسان شکوفا سازد. حضرت امام علی^(ع) دین‌داری را چنین معنا کرده است:



«أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِّيقُ بِهِ وَ كَمَالُ التَّصَدِّيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ وَ كَمَالُ تَوْحِيدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ وَ كَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ؛ سرآغاز دین، خداشناسی است و کمال شناخت خدا، باور داشتن، او و کمال باور داشتن خدا، شهادت به یگانگی اوست و کمال توحید اخلاص و کمال اخلاص، خدا را از صفات مخلوقات جدا کردن است» (نهج البلاغه، ۱۳۸۰: ۳۹).

با توجه به همین نکته تربیت دینی را چنین تعریف کرده‌اند: «تربیت دینی فرایند پرورش شناخت خداوند، احساس تعلق و محبت به او و تعبد در برابر او در انسان است» (ابوطالبی، ۱۳۸۶: ۲۱). در تعریف دیگری آمده است: «تربیت دینی عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدف‌دار، به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر، به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند» (داوودی، ۱۳۸۹: ۲۶). در تعریف سومی معنای تربیت دینی را «فراهم کردن زمینه شکوفایی فطرت توحیدی انسان و تجلی آن در عمل عبادی وی» (ابوطالبی، ۱۳۸۶: ۲۳) دانسته‌اند.

انسان استعداد خداخواهی دارد و در درون جانش این کشش موج می‌زند. از این رو استعداد خداجویی باید به فعلیت برسد و انسان نمی‌تواند از این کشش دست بردارد و بدون آن به زندگی دینی ادامه دهد؛ زیرا جزء وجود اوست به تعبیر سعدی:

همه عمر بر ندارم سر از این خمار مستی که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی
تو نه مثل آفتابی که حضور و غیبت افتد دیگران روند و آیند و تو همچنان که هستی

(سعدی، ۱۳۷۵: غزل ۵۲۳)

اگر این استعداد به فعلیت رسید انسان تربیت دینی شده است، افزون بر اینکه خداوند این استعداد را در درون او نهاده است. انبیا را نیز فرستاده تا فرایند تربیت دینی انسان‌ها را به هدف برساند. قرآن می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند و آن‌ها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد هر چند



پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» (جمعه: ۲). در این آیه پس از تلاوت قرآن، تزکیه و پاک‌سازی را مطرح کرده که یکی از مصادیق تربیت دینی به حساب می‌آید.

۱-۲. نقش مادر در تربیت دینی

از آنجا که تربیت دینی امری است که با جان و روح انسان سروکار دارد، مادر است که با اعمال و رفتار دینی‌اش الگو می‌شود تا در روح و جان فرزند تأثیر بگذارد. در مطالعاتی که در مورد رابطه میان مذهبی بودن مادر و پدر، (بر اساس دو عامل نگرش مادر و پدر نسبت به اهمیت مذهب و شرکت آنان در تکالیف مذهبی) و مذهبی شدن فرزندان صورت گرفته است، (کلارک و ورتینگتون ۱۹۸۷؛ آلیس و ویجمن ۱۹۹۳) این نتیجه به دست آمده که نقش مادر در مذهبی شدن دختران و نقش پدر در مذهبی شدن پسر بیشتر است. در صورتی که بین مادر و پدر اتفاق نظر و عمل مذهبی وجود داشته باشد، این تأثیر هم روی دختران و هم روی پسران بیشتر خواهد بود. همچنین وقتی که اتفاق نظر مذهبی بین پدر و مادر وجود نداشته باشد، تأثیر پدر بر تربیت مذهبی فرزندان بیشتر است. اوزوراک (۱۹۸۶) نیز نشان داده است که شرکت والدین در تکالیف و مراسم مذهبی و بحث و گفت‌وگوهای مذهبی در خانواده، باعث انتقال باورها و عملکردهای دینی به نوجوانان می‌شود (کریمی، ۱۳۹۰: ۳۴).

اغلب روان‌شناسان در پژوهش‌های مربوط به تربیت دینی به این نتیجه رسیده‌اند که جان‌مایه‌های اصلی حس دینی آدمی، در دوره اولیه رشد حتی در دوره نوزادی به واسطه ایمان عمیقی شکل می‌گیرد که والدین به‌ویژه مادر دارد. روایات زیادی در باب روش‌های تربیت نوزاد و رابطه عاطفی مادر با نوزاد آمده است که نشان از عمق لایه‌های پنهان تربیت در دوران نوزادی دارد تا آنجا که گفته شده‌اند: «آینده جنین در جبین مادر نهفته است». لذا می‌توان گفت آینده اعتقادی کودک در باورها و ایمان قلبی مادر نهفته است (همان: ۶۶). امام خمینی نیز گفته است: «زن مربی جامعه است، از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسان‌ها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند؛ و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود.

زن مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۷، ۳۳۹). «زن نقش بزرگی در اجتماع دارد. زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن پرورش دهنده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می‌رود. دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است» (همان: ۳۴۱).

آیت‌الله خامنه‌ای نیز فرموده است: «اگر زن‌ها با قرآن مأنوس شوند، بسیاری از مشکلات جامعه حل خواهد شد؛ چون انسان‌های نسل بعد در دامن زن پرورش پیدا می‌کند و زن آشنای با قرآن و مأنوس با قرآن و متفاهم با مفاهیم قرآن، می‌تواند در تربیت فرزند تأثیرات زیادی داشته باشد» (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۲۸ مهرماه ۱۳۸۸، <https://farsi.khamenei.ir>).

در آموزه‌های دینی نیز این مطلب تأیید شده است. چنانکه جابر بن عبدالله انصاری مدام در مدینه می‌گفت: «عَلَيَّ خَيْرُ الْبَشَرِ فَمَنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَا مَعَاشِرَ الْأَنْصَارِ أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ فَمَنْ أَبِي فَأَنْظُرُوا فِي شَأْنِ أُمِّهِ؛ علی بهترین انسان است؛ کسی که این مطلب را انکار کند، کافر است. ای گروه انصار، فرزندان خویش را با دوستی علی تربیت کنید. کسی که از حب علی امتناع ورزد، درباره مادرش تحقیق کنید» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳، ۴۹۳). یک معنای حدیث «فَأَنْظُرُوا فِي شَأْنِ أُمِّهِ»، این است کسی که حب علی^(ع) ندارد، در انعقاد نطفه‌اش شبهه وجود دارد و معنای دیگرش این است که پیرسید مادرش در تربیت او چه کرده است. ممکن است در تربیت او کوتاهی کرده یا حلال و حرام را رعایت نکرده باشد. نقش مادر در تربیت فرزند در جهت مثبت و منفی، بیش از نقش پدر است. از این رو نمونه‌هایی در جهت مثبت و منفی نقش مادر بر اساس تجربه زیسته نگارنده در امر مشاوره، ذکر می‌شود که در برخی از خانواده‌های مراجعه کننده برای مشاوره، دیده شده است:

۱. زنی و شوهری که برای مشاوره بودند، یکی از موارد اختلافشان این بود که زن از همسرش در خیلی از کارها اجازه نمی‌گرفت. از جمله وقتی مرد در یک سفر یک روزه رفته بود، زن هم با دوستانش که همگی زن بودند، بدون اطلاع همسرش، خارج از شهر رفته بودند. مرد ادعا داشت جای خطرناک رفته‌اند و اگر کدام مشکلی پیش می‌آمد، بدنامی داشت. زن که می‌توانست با یک تماس، از مرد اجازه بگیرد یا با او هماهنگ کند، حتی



حاضر نبود عذرخواهی کند. وقتی فرزند آنان به سن بلوغ رسیده بود، نه از مادر اجازه می‌خواست و نه از پدر، بلکه ساعت‌های روز و شب را با دوستانش می‌گذراند که هم مادرش ناراحت بود، هم پدرش. وقتی برای رفع مشکل به نگارنده مراجعه کردند، به مادرش یادآور شدم که این نتیجه همان کارهای خودت است که الگوی فرزندت هستی:

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی برآوردند غلامان او درخت از بیخ
به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد زنند لشکریانش هزار مرغ به سیخ

(سعدی، ۱۳۷۵: حکایت ۱۹)

۲. مادر پرخاشگری که همیشه در خانه‌اش همیشه مرافعه بود. یکی از عادات مادر این بود که وقتی عصبانی می‌شد، اشیاء و اسباب خانه را دور می‌انداخت. وقتی کودکشان در سنین بلوغ رسیده بود، هنگام ناراحتی ظرف‌ها را می‌شکست و در و دیوار را تخریب می‌کرد.

۳. مادری بود که وقتی ناراحت می‌شد، بسیار به همسرش توهین می‌کرد و بعد پشیمان می‌شد و عذرخواهی می‌کرد، ولی فرزندش وقتی بزرگ شده بود، دقیقاً همان کار را می‌کرد. بعدش حتی اظهار پشیمانی و عذرخواهی هم نمی‌کرد.

۴. خانواده‌ای بسیار باشخصیت که اهل موسیقی نبودند، ولی زن فیلم‌های رقص و ناجور می‌دید و حرف همسرش را نیز قبول نمی‌کرد. بعد فرزند جوانشان به دیدن فیلم‌های غیرمجاز روی آورده بود. اینجاست که باید شعر سعدی را دوباره تکرار کرد.

۵. در یک خانواده‌ای که واقعاً مذهبی بودند، ولی خانم خانه نسبت به نماز بی‌اعتنا بود. در حدی که گاهی قضا می‌شد و یادش می‌رفت. همین مسئله باعث درگیری و مشکلات خانوادگی شده بود؛ اما فرزندشان وقتی به بلوغ رسیده بود، کلاً نماز را ترک کرده بود، درحالی‌که پدرش بسیار اهل نماز و روزه بود.

نقش مادر برای تربیت فرزند، در جهت مثبت نیز همین‌گونه است:

۱. چندین مورد را می‌شناسم که پدر معتاد و تا حدودی لایبالی است، ولی مادر صالح و اهل نماز، فرزندان بسیار شایسته‌ای دارند که نمازشان در اول وقت انجام می‌شود.

۲. پدر شخص بی‌نماز، لایبالی و نسبتاً بی‌بندوباری بود؛ اما مادر باشخصیت، اهل نماز



و عقیف که زندگی را در کنار همچو مردی می‌گذرانند، ولی فرزندان را بسیار باتقوا و اهل نماز تربیت کرده بود.

۱-۳. تأثیر هم‌نشینی بر تربیت دینی

هم‌نشینی در انواع تربیت اثر دارد، در قرآن نمونه‌های فراوان وجود دارد که تأثیر هم‌نشینی را به‌خوبی آشکار می‌سازد. از جمله می‌توان تأثیر هم‌نشینی حضرت زهرا (س) را بر فضیله در قرآن کریم تماشا کرد، در سوره انسان وی جزء ابرار و نیکان به حساب آمده است: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا؛ نیکان از جام‌هایی می‌نوشند که آمیخته به کافور است» (انسان: ۵). مرحوم طبرسی می‌نویسد: «عموم امامیه و اهل سنت روایت کرده‌اند که آیاتی از این سوره از «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ» تا «وَكَانَ سَعْيُكُمْ مُشْكُورًا» درباره علی، فاطمه، حسن و حسین^(ع) و کنیز آنان (فضیله) نازل شده است» (طبرسی، ۱۳۶۰: ۲۶، ۱۴۳).

وی خدمتکار حضرت زهرا (س) بود، ولی در اثر هم‌نشینی جزء ابرار به حساب آمده است. همین‌گونه است داستان همسر و فرزند نوح و همسر لوط که با بدان نشست و برخاست کردند، در نتیجه از نیکان جدا شدند؛ اما سگ اصحاب کهف که با نیکان همراه شد به تعبیر سعدی شیرازی، مردم شد:

با بدان یار گشت همسر لوط	خاندان نبوتش گم شد
سگ اصحاب کهف روزی چند	پی نیکان گرفت و مردم شد

(سعدی، ۱۳۷۵: حکایت ۴)

مادر یکی از هم‌نشینان همیشگی انسان است و از نظر علمی و دینی هم‌نشین بر انسان تأثیر فوق‌العاده دارد. چنانکه امام جواد^(ع) فرموده است: «إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الشَّرِيرِ، فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُوقِ، يَحْسُنُ مَنَظَرُهُ وَيَقْبُحُ أَثَرُهُ؛ از هم‌نشین بد بپرهیز؛ زیرا هم‌نشین بد مانند شمشیر برهنه است که ظاهرش زیبا و اثرش زشت است» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۲، ۳۱۲). در این حدیث هم‌نشین مشخص نشده که چه کسی باشد. از این رو شامل مادر نیز می‌شود؛ زیرا کودک همواره تأثیرپذیر است و بیشترین تأثیر را از مادر می‌پذیرد که هم‌نشین دائمی او است. سنایی غزنوی نیز که از همین حدیث استفاده کرده، می‌سراید:



با بدان کم نشین که بد مانی
خوش خو از بدخوان سترگ شود
خوپذیر است نفس انسانی
میش چون گرگ خورد گرگ شود
صحبت نیک راز دست مده
که مه و به شوی ز صحبت مه

(سنایی غزنوی، ۱۳۸۳، بخش ۲۸ فی ذکر رفقاء السوء)

در رباعی دیگری نیز می‌سراید:

منشین با بدان که صحبت بد
آفتاب ارچه روشن است او را
گرچه پاکی ترا پلید کند
پاره‌ای ابر ناپدید کند

(سنایی غزنوی، ۱۳۹۰، قصاید و قطعات، شماره ۶۹)

در احادیث فراوان به هم‌نشینی با دین‌داران توصیه شده است؛ زیرا هم‌نشینی با فرد دین‌دار سبب پذیرش دین و تأثیرپذیری از آنان می‌شود. از این رو رسول خدا (ص) فرموده است: «مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدِّينِ شَرَفُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ هم‌نشینی دین‌داران شرف دنیا و آخرت است» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱، ۳۹). در حدیث دیگری فرموده‌اند: «جَالَسُوا أَهْلَ الدِّينِ وَالْمَعْرِفَةُ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَالْوَحْدَةُ آنَسٌ وَأَسْلَمٌ؛ با دین‌داران و اهل معرفت هم‌نشینی کنید، اگر بر این کار توان ندارید، تنهایی برتر است» (نوری، ۱۴۰۸: ۸، ۳۲۸).

امام علی (ع) می‌فرماید: «مُجَالَسَةُ الْأَشْرَارِ تُورِثُ سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ وَ مُجَالَسَةُ الْأَخْيَارِ تُلْحِقُ الْأَشْرَارَ بِالْأَخْيَارِ وَ مُجَالَسَةُ الْفَجَّارِ لِلْأَبْرَارِ تُلْحِقُ الْفَجَّارَ بِالْأَبْرَارِ؛ هم‌نشینی با بدان سبب بد بدگمانی به خوبان می‌شود، هم‌نشینی با خوبان بدان را به خوبان ملحق می‌سازد، هم‌نشینی فاجران با ابرار، فاجران را به ابرار ملحق می‌سازد» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶، ۲۶۵).

روان‌شناسان نیز توصیه کرده‌اند که با افراد درست در ارتباط باشید؛ زیرا طی پنج سال آینده، شما تغییری نخواهید کرد مگر به دلیل ملاقات با افرادی خاص و کتاب‌هایی که مطالعه می‌کنید. برایان تریسی می‌نویسد: «اگر می‌خواهید موفق باشید، با افراد مثبت رابطه برقرار کنید. افرادی که خوش‌بین، راضی، هدفمند و پیشرو باشند. درعین حال از افراد منفی‌باف دوری کنید که مدام گله و شکایت می‌کنند. اگر می‌خواهید با عقاب‌ها پرواز



کنید، نمی‌توانید با بوقلمون‌ها به سر ببرید» (تریسی، ۱۳۸۵: ۷۰).

انسانی که همیشه با بچه‌ها می‌گردد خوی بچگی به خود می‌گیرد، ولی انسانی که با بزرگان هم‌نشین است، خوی بزرگی دارد و او را به سمت بزرگی می‌کشاند. هم‌نشینی گاهی به انسان نام نیک را به ارمغان می‌آورد و گاهی نام نیکی را از انسان می‌گیرد. درست شبیه هوا که تا تنها به کار می‌رود، همه آرزوی داشتن و استفاده از آن را دارند؛ اما همین‌که در کنار هوس قرار گرفت، مردم از او تنفر دارند. به تعبیر قیصر امین پور:

همین هوا که عین عشق پاک است
گره که خورد با هوس خودش نیست

(امین پور، ۱۳۸۶: ۶۲)

۱-۴. تأثیر مادر پاک‌دامن بر تربیت دینی

یکی از ویژگی‌هایی که باید مادران داشته باشند، پاک‌دامنی است. با تربیت صحیح و از دامن مادر نیک‌سرشت است که بهشت دنیا و آخرت میسر می‌گردد: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْجَنَّةَ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً فَلَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وَلَا دُتُّهُ وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ^(۱): طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ أُمُّهُ عَفِيفَةً؛ خداوند بهشت را پاک و پاکیزه آفریده است، وارد آن نمی‌شود جز آنانی که حلال‌زاده باشند و امام صادق^(۲) فرمود: خوش به حال آنکه مادرش پاک‌دامن باشد» (صدوق، ۱۹۶۶: ۲، ۵۶۴).

وقتی سابقه انسان‌های بدکردار را متوجه می‌شویم، می‌بینیم که از دامن ناپاک به وجود آمده و به دست انسان‌های آلوده پرورده شده‌اند. از این جهت اسلام تأکید می‌کند که مادران آینده‌فرزندان را پاک‌دامن انتخاب کنید و زن پاک‌دامن را از بهترین فایده‌ها برمی‌شمارد: «مَا أَفَادَ عَبْدٌ فَايِدَةً خَيْرًا مِنْ زَوْجَةٍ صَالِحَةٍ إِذَا رَأَاهَا سَرَّتُهُ وَإِذَا غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ فِي نَفْسِهَا وَ مَالِهِ؛ برای انسان فایده‌ای برتر از همسر پاکیزه نیست که دیدنش مایه خوشحالی شود وقتی شوهر غایب است از مال شوهر و جان خودش محافظت کند» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰، ۳۹). در روایت دیگر آمده: «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْعَفِيفَةُ الْغَلِمَةُ عَفِيفَةٌ فِي فَرْجِهَا غَلِمَةٌ عَلَى زَوْجِهَا؛ بهترین زنان شما، زنان پاک‌دامن تیز شهوت است، پاک‌دامن نسبت به ناموس خود



و تیز شهوت با همسر خویش» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۴، ۱۵۹).

این همه تأکید برای آن است که اولاً مادر، در آرامش زندگی تأثیر فراوان دارد و آرامش زندگی در پرورش و تربیت فرزندان مؤثر است؛ زیرا در خانه‌ای که آرامش نیست نمی‌توان فرزندان درست تربیت کرد. ثانیاً مادر با کودک ارتباط نزدیک و فراوان دارد و از نظر عاطفی هم کودک بیشتر از مادرش تأثیر می‌پذیرد.

۱_۵. تأثیر مادر دین‌دار بر تربیت دینی

دین‌داری یکی از گزینه‌هایی است که در تربیت سالم فرزندان به‌خصوص در تربیت دینی فرزندان، اثرگذار است. مادری که خود بی‌بهره از دین و دین‌داری است، نمی‌تواند فرزند دین‌دار تربیت کند. به تعبیر جامی:

ذات نایافته از هستی، بخشش چون تواند که بود هستی‌بخش؟
خشک ابری که بود زاب تهی ناید از وی صفت آب‌دهی

(جامی، ۱۳۹۸، بخش ۱۹ عقد چهارم)

تربیت دینی به انسان آرامش می‌دهد؛ آرامشی که بسیاری از افراد در جستجوی آن هستند، ولی دین‌داری به‌راحتی می‌تواند این هدیه گران‌بها را به انسان بدهد. دین‌داری مادر در تربیت دینی و فرزندان دین‌دار نقش مهم و پررنگ دارد. از این‌رو در اسلام یکی از ملاک‌های انتخاب همسر، دین‌داری است و اگر امر دایر باشد بین زیبایی، ثروتمندی و دین‌داری، انتخاب زن زیبا و ثروتمند در ردیف بعد از ملاک دین‌داری قرار دارد؛ زیرا زنی که زیبایی دارد و مقید به دین و مذهب نیست، زیبایی‌اش دامی خواهد شد که انسان و نسلش را گرفتار خواهد ساخت. در مستدرک نیز روایت کرده است: «وَعَنْهُ^(۴) أَنَّهُ نَهَى أَنْ يَنْكَحَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِمَالِهَا أَوْ لِحَمَالِهَا وَقَالَ مَالُهَا يُطْغِيهَا وَحَمَالُهَا يُرْدِيهَا فَعَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ؛ امام^(۴) از پیمان زناشویی، به خاطر ثروت یا زیبایی زن نهی کرده و فرموده است: مالِ زن او را به طغیان و سرکشی وامی‌دارد و زیبایی‌اش به‌سوی هلاکت و پستی سوق می‌دهد، پس بر تو باد به صاحب دین [که برای همسری انتخاب کنی]» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۴، ۱۷۵).

انسان دین‌دار همه‌چیز را از آن خدا می‌داند. وقتی مال و قدرت در اختیار او قرار گیرد،



آن را امانت الهی می‌داند؛ اما انسان بی‌دین، به محض رسیدن به دارایی دنیا، طغیان می‌کند. چنانکه قرآن می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّا غَافٍ أَلَمْ يَعْلَمْ أَن رَّبَّهُ اسْتَعْنَىٰ؛ حَقًّا که انسان سرکشی می‌کند، همین که خود را بی‌نیاز پندارد» (علق: ۶-۷). در این آیه، بی‌نیازی انسان مطرح نیست؛ زیرا انسان ذاتاً فقیر است، بلکه بی‌نیاز پنداری مطرح است. انسان وقتی گمان کند که بی‌نیاز است و مال و قدرت دارد، طغیان می‌کند. گاهی انسان از روی ناتوانی نمی‌تواند طغیان کند یا ستم روا دارد؛ اما اگر قدرت یابد، یا مال در اختیارش قرار گیرد، از هرکسی بدتر خواهد شد. مولوی نیز در داستان ایاز می‌گوید:

زانک هستی سخت مستی آورد

عقل از سر شرم از دل می‌برد

(مولوی بلخی، ۱۳۷۴، دفتر پنجم).

اسلام تأکید کرده که مادر آینده و نخستین مربی نوباوگان را باید از میان بهترین‌ها برگزید. وقتی دین‌داری وجود نداشته باشد، فرهنگ بی‌بندوباری حاکم می‌شود و در چنین فرهنگی که هیچ فردای پس از مرگی در انتظار انسان نیست و هیچ بهشتی او را به خود دعوت نمی‌کند. انسان همه فرصتی که برای «بودن» دارد، همین فاصله کوتاه تولد تا مرگ است. پس ناچار است قبل از آنکه مرگ دررسد، بیشترین امتیاز را برای خود کسب کند و تا می‌تواند از هر آنچه در این طبیعت لذت‌بخش، بهره‌گیری کند (حداد عادل، ۱۳۹۰: ۲۸).

نتیجه‌گیری

تربیت دینی یک فرآیند کلیدی در شکل‌گیری هویت و شخصیت انسان‌هاست و نقش مادر در این زمینه بسیار برجسته و مهم است. مادران با رفتارها و نگرش‌های دینی خود، به‌عنوان اولین الگوهای فرزندان، تأثیرات عمیقی بر تربیت دینی آنان دارند. مطالعات نشان می‌دهد که هم‌نظری و همکاری والدین در این فرآیند، تأثیرات مثبت بیشتری بر فرزندان خواهد داشت. تأثیر هم‌نشینی با افراد دین‌دار و پاک‌دامن به‌عنوان یک عامل مؤثر در تربیت دینی فرزندان، می‌تواند به تقویت باورها و ارزش‌های دینی آنان کمک کند. دین‌داری مادر حتی به‌عنوان یک هم‌نشین نیز بر فرزندان تأثیر مثبت دارد و نه تنها به آرامش و سلامت روحی



فرزندان می‌انجامد، بلکه نسل‌های آینده را نیز به سمت دین‌داری و اخلاق‌مداری سوق می‌دهد. بنابراین، به‌منظور دستیابی به یک جامعه متدین و اخلاقی، لازم است که والدین، به‌ویژه مادران، خود را از نظر دینی و اخلاقی تقویت کنند و با تربیت صحیح و متعهدانه، آینده‌ای روشن و پایدار برای فرزندان خود رقم بزنند.



فهرست منابع

- قرآن کریم، (ترجمه: محمد مهدی فولادوند).
- نهج البلاغه، (ترجمه: محمد دشتی).
۱. آزادی، علیرضا، (۱۳۸۹)، از رویش تا پویش: نقش و وظایف مادر در تربیت فرزندان از دیدگاه علم، قرآن و سنت در دوران کودکی، تبریز: انتشارات یاس نبی.
۲. ابوطالبی، مهدی، (۱۳۸۶)، تربیت دینی از دیدگاه امام علی (ع)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳. احسانی، محمد، (۱۳۸۷)، نقش مادران در تربیت دینی فرزندان، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۴. امین پور، قیصر، (۱۳۸۶)، دستور زبان عشق، تهران: انتشارات مروارید.
۵. تریسی، برایان، (۱۳۸۵)، ۲۱ رمز موفقیت میلیونرهای خودساخته، (ترجمه: فرزانه وکالتی)، تبریز: انتشارات یاران.
۶. جامی، عبدالرحمن بن احمد، (۱۳۹۸)، مثنوی هفت‌اورنگ، (تصحیح: مرتضی مدرس گیلانی)، تهران: انتشارات مهتاب.
۷. حداد عادل، غلامعلی، (۱۳۹۰)، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: انتشارات سروش.
۸. حر عاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت^(ع).
۹. حسینی نژاد، سید مجتبی، (۱۳۹۹)، نقش مادر در تربیت دینی فرزندان، قم: انتشارات اثر قلم.
۱۰. خامنه‌ای، سید علی، سایت آیت‌الله خامنه‌ای آدرس: <https://farsi.khamenei.ir/>
۱۱. داوودی، محمد، (۱۳۸۹)، سیره تربیتی پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) جلد دوم (تربیت دینی)، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۲. سعدی، مشرف‌الدین مصلح، (۱۳۷۵)، کلیات اشعار، (تصحیح: محمد علی فروغی)، تهران: نشر طلوع.



۱۳. سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم، (۱۳۸۳)، *حديقة الحقيقة و شريعة الطريقة*، (تصحیح و تحشیه: محمدتقی مدرس رضوی)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۴. سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم، (۱۳۹۰)، *دیوان سنایی غزنوی*، (تصحیح: بدیع الزمان فروزانفر)، تهران: انتشارات نگاه.
۱۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۳ ق)، *من لایحضره الفقیه*، (تحقیق: علی اکبر غفاری)، قم: دفتر نشر اسلامی.
۱۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۹۶۶ م)، *علل الشرائع*، (تحقیق: سید محمدصادق بحر العلوم)، نجف: المكتبة الحیدریة.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، (تحقیق: رضا ستوده و ترجمه: گروهی از مترجمان)، تهران: انتشارات فراهانی.
۱۸. قائمی، علی، (۱۳۶۶)، *نقش مادر در تربیت*، تهران: انتشارات امیری.
۱۹. کریمی، عبدالعظیم، (۱۳۹۰)، *نکته‌های روان‌شناختی در تربیت دینی فرزندان*، تهران: مؤسسه فرهنگی ستاد اقامه نماز.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۱. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۲. مولوی بلخی، مولانا جلال الدین محمد، (۱۳۷۴)، *مثنوی معنوی*، تهران: انتشارات اقبال.
۲۳. نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ ق)، *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل‌البیت^(ع).